

## Qur'an scribes

Oxford university  
London, 2000

خوشنویسان قرآنی

Qur'an scribes

Oxford university

London, 2000

می‌گوید شاگردی که در پی رسیدن به کمال الله است، باید پیش از شروع به خوشنویسی از صمیم قلب در پی عنایت استادش باشد و سوره الفاتحه را بخواند و سپس سرمشق‌های استادش را مرور کند.

آن‌گاه به خوشنویسی بپردازد که در نتیجه به خیر و برکت نیز نائل می‌شود. وی معتقد بود که برای این کار ابتدا باید قلمی نو را تیز و باریک کرد و نوک آن را برای خط ثلث تراشید و قلمی دیگر را برای خط نسخ. حال این قلم نو را باید در ورقه‌های کاغذی قرار داد و با عبادت و استغفار آن را در زمینی به عمق دو انگشت در نزدیکی قبر استاد دفن کرد. این کار باید در شب جمعه صورت گیرد و یک هفته نیز به طول بیانجامد و سپس در همان زمانی که قلم دفن شده است آن را خارج ساخت.

در ابتدا شاگرد باید تنها یک خط از تکلیف استاد را با این قلم بنویسد، که این کار در جهت نیل به خیر و برکت استاد است و بعد می‌تواند تکلیف را با قلم دیگری انجام دهد.

یکی از مراحل مهم در امر خوشنویسی تراشیدن سر قلم بود، کاری پر رمز و راز. در سخنان ابن رومی (متوفی ۸۹۷) آمده است که: «حکم الهی چنین است که هر گاه قلم تراشیده شود و نوک آن تیز گردد، شمشیر را نیز مطیع خود خواهد ساخت.»

از آنجایی که تراشیدن سر قلم سبک خط را مشخص می‌کرد، یکی از رموز خوشنویسی به حساب می‌آمد. ابن بواب نیز در شعر معروفش می‌گوید:

درباره‌ی فن تراشیدن سر قلم حریص مباش!

من تفاوت‌های جزئی‌اش را نیز فاش نخواهم کرد و اسرارش را برای همیشه محفوظ خواهم داشت.

ابن وحید، خوشنویسی سوری قرن سیزدهم نیز در مورد این شعر می‌گوید، دلیل محتاط بودن و خاموش بودن شیخ، این بود که نمی‌خواست دیگران هم آن را بدانند به جز برای کسانی که وی دوست می‌داشت این رمز را - که برای تبیین حکمت در ورای زبان لازم بود - به آنها بگوید.

همین نکته بود که اسرار این خطوط را بیشتر می‌کرد. ابن بواب در سخنان خود، اشارات و حرکات اصلی و غایی سخاوت را بر اساس یک طرح ساده‌ی روان شناختی ارائه می‌کرد. وی علاقه و پشتکار شاگرد را با دروغ کردن دانش از او برمی‌انگیخت.

در نزد خوشنویس مسلمان روش و اصول ادغام می‌شوند تا یک شیوه‌ی زندگی هنری و آموزشی را شکل دهند. این شیوه دو پیامد متمایز دارد: یک جنبه‌ی معنایی که نقش یا وظیفه کلمات نوشته شده را بازگو می‌کند و نقش دوم خطی است که این کلمات بنان نوشته می‌شوند. این دو ممکن است از نظر برتری ذاتی با هم متفاوت باشند، اما همین که با یکدیگر ادغام می‌شوند، توانایی خوشنویسان مسلمان را پایه‌گذاری می‌کنند.

نمونه‌های موجود در این اثر بیشتر بر اساس منطقه جغرافیایی و دوران تاریخی تنظیم نشده‌اند، بلکه بر اساس درون مایه‌شان سازمان دهی گردیده‌اند. فصل اول کتاب کاتبان قرآن، به آموزش و تعلیم فنون خوشنویسی پرداخته و نمونه‌هایی از مفردات، رسم‌المشقی‌ها و... ارائه می‌شود. در فصل دوم کتاب، می‌شوند آثار مربوط به خوشنویسی و حتی آثار خوشنویسانی که تبحر چندانی نیز نداشته‌اند معرفی که به صورت ابومرقعات / لوح‌ها و... گردآوری شده‌اند.

در فصل آخر نیز به حوزه‌های تخصصی‌تر خط و خوشنویسی توجه شده و به خط‌های غبار یا میناتور، رقا و... پرداخته شده است.

از زمان پیامبر اسلام که زبان عربی با اسلام پیوند خورد و از زمانی که قرآن برای نخستین بار تحریر شد، زبان عربی نقش اساسی در تکامل و توسعه‌ی خط عربی ایفا کرده است. خوشنویسی از جمله هنرهایی است که در جهان اسلام جایگاهی ویژه دارد. در

میان مسلمانان، خوشنویسی بیان‌کننده میراث ادبی زبان عربی است که با کوشش خوشنویسان و کاتبان مسلمان، هنری زیبا و پرشکوه ارائه داده است.

برای دیدن جاذبه‌های خوشنویسی باید چشم بصیرت داشت. استادی در خوشنویسی نه تنها نیازمند مهارت فنی است، که تعهد اخلاق و شخصیت خطاط را نیز دربرمی‌گیرد. چنان چه در آثار خوشنویسان عثمانی در کتاب تحفه خوشنویسان، اثر مستقیم‌زاده (سلیمان افندی، متوفی ۱۷۸۷ م.) دیده می‌شود. مستقیم‌زاده به سادگی و بدون استفاده از واژه‌های نامتعارف و نامفهوم می‌نوشت. وی خوشنویسی را نوعی کارآمدی و توانایی عقلی و اخلاقی می‌دانست. چنان که در مورد صفات خوشنویس معتقد است: یک خوشنویس باید از خلق و خوی و روحیه‌ای پاک برخوردار باشد.

خوشنویسی یک ابزار اخلاقی است که متأسفانه امروزه توجهی جدی به این ویژگی‌ها نمی‌شود. شاید همین بی‌توجهی عاملی بوده است که شکل‌گیری تصویر واحدی از خوشنویسی را همان طور که مستقیم‌زاده به آن اشاره می‌کند، ناممکن ساخته است.

از نکات ارزشمند کار مستقیم‌زاده، اهمیت دادن او به رابطه‌ی استاد و شاگرد بوده؛ امری که در رشد و انتقال این هنر اصیل حیاتی است. مستقیم‌زاده همواره بر نقش استاد خود آقا محمد راسم بزرگ (متوفی ۱۷۵۵ م.) که تأکید عمده‌ای بر اصول و روش کار داشت، اشاره می‌کند. چرا که وی با قاعده‌مند کردن روش، که هم مرحله‌ی فنی و هم مرحله‌ی خلاقیتی را دربرمی‌گیرد و بر اساس این اصول نیز حروف شکل می‌یابند، نقش به‌سزایی در تحول و تکامل خوشنویسی ایفا کرده است.

بنابراین نقش یک معلم و استاد در یک برنامه آموزشی امری محرز است و سبک آموزشی بر اساس انتقال حضوری از استاد به شاگرد، مدت‌ها تجربه و سپس تأیید و تکمیل شده و سابقه‌ای طولانی دارد.

در این میان معلم تنها به دنبال کارایی و استعداد خوشنویسی شاگردش نبوده بلکه، اساس کار بیشتر بر استعداد شاگرد در یادگیری استوار شده است. شاگرد می‌بایست با شرایط و نحوه‌ی آموزش و چگونگی انتقال این دانش آشنا و مرحله جدید همواره پس از اتمام و یادگیری صحیح مرحله‌ی پیشین شروع می‌شد.

احترام و انضباط دو اصل عمده در رابطه‌ی استاد و شاگرد به شمار می‌رفت. در این میان شاگرد بخشی از یک زنجیره‌ی طولانی در انتقال هنر خوشنویسی به شمار می‌رفت؛ زنجیره‌ای که به استادانی چون شیخ حمدالله یاقوت مستعصمی، ابن بواب و ابن مقله می‌رسید. البته این رابطه می‌توانست بر اساس روش کار و سلیقه‌ی استاد متغیر باشد، که از آن جمله می‌توان به روش خاص حافظ عثمان (متوفی ۱۶۹۸ م.) اشاره کرد. وی دو شب در طی هفته به کسانی که از توانایی کافی برای پرداخت حق الزحمه استاد برخوردار نبودند، آموزش می‌داد و در عین حال در تدریس به شاهدان‌دکان عثمانی نیز فعال بود. از استادانی هم می‌توان نام برد که به آسانی در دسترس نبوده‌اند از جمله عبدالله امیسی که عمده‌ی وقت خود را در سردابه‌ای می‌گذراند و از طریق دریچه‌ای که در سقف آن وجود داشت به شاگردانش آموزش می‌داد.

اما درباره درک و شناخت معنای برکت (عنایت خیرخواهانه)، مستقیم‌زاده، در کتابش به چگونگی بهره‌مندی شاگرد از این عنایت اشاره می‌کند. وی